

افزایش حجم و شدت جنایت‌ها در این روزها چه تبعاتی برای رژیم اشغالگر قدس خواهد داشت؟

از یک طرف فلسطینی‌ها را عصبانی می‌کند و به صحنه می‌آورد و همان‌طور که گفتیم جمعیت عرب فلسطینی ۴۰ هزار نفر بیشتر از جمعیت یهودی براساس آمار ۲۰۲۲ رژیم صهیونیستی است. هفت میلیون فرد فلسطینی در این لوزی هستند و حدود شش میلیون نفر هم بیرون از این لوزی هستند که جمع آن بیش از ۱۲ میلیون نفر است که اینها دست بسته نیستند و در این صحنه پیروزی را دیدند و مزه پیروزی را چشیدند و از امروز به بعد دنبال فرصت می‌گردند تا بلاهایی از این نوع را دوباره بر سر اسرائیل دریاورند. کاری که اسرائیل می‌کند، گویا دارد بمب را بر سر یهودی‌ها می‌ریزد؛ چون همه اینها به حساب یهودی‌ها و دولت یهودی اسرائیل فاکتور می‌شود و روزی باید جواب دهند؛ کما این‌که در روز شنبه گذشته، بخشی را جواب دادند.

مسأله دیگر این است که آنها با اقدامات‌شان جهان اسلام را مقتدر کردند. قبل از این جهان اسلام یک وضعیت دو دسته داشت و عدای به دنبال عادی‌سازی راه افتاده بودند. خود غربی‌ها گفتند این ماجرا سال‌ها هم‌ریستی و گفت‌وگویی بین عرب‌ها و اسرائیلی‌ها را به تعویق انداخت و الان کسی جرأت نمی‌کند در جهان اسلام و در حوزه عربی صحبت از روابط با اسرائیل بکند.

مسأله سوم این است که حقانیت مقاومت را اسرائیلی‌ها با دست خودشان تثبیت کردند. یعنی الان در جهان اسلام همه حتی کسانی که درباره بعضی از اضلاع مقاومت ابهاماتی داشتند؛ مثلاً درخصوص ورود حزب‌ا... به سوریه سؤال داشتند، الان در این صحنه همه حق می‌دهند به این‌که جریان مقاومت حق دارد که با سلاح با دشمن صحبت کند و این مقاومت عربی – اسلامی در ذهن تمام مسلمانان در منطقه ثبت شد.

اثر دیگر این جنایات این است که هرکس از اسرائیل حمایت می‌کند در در جهان اسلام منافع و نیروهای دارد در معرض آسیب قرار می‌گیرد. یعنی انگلیسی‌ها، آمریکایی‌ها، آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها نیروی سیاسی و نظامی و عناصر اقتصادی دارند که امنیت می‌خواهند.

با این روندی که اسرائیلی‌ها دنبال می‌کنند امنیت اینها هم در معرض آسیب است؛ کمااین‌که گروه‌های مقاومت عراقی اعلام کردند چنانچه جنایات متوقف نشود، آنها موقعیت‌های آمریکا در عراق را مورد حمله قرار می‌دهند و این علامتی است از این‌که توسعه این بحران می‌تواند کشورها را از حمایت اسرائیل، پشیمان سازد و این مسأله‌ای است که اسرائیل باید برای آن حسابی بازکند.

۴۱ حضور آمریکا و سیاست‌گذاری‌هایش در میدان و کارهایی که درحال انجام آنها هستند را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ دلایل حضورشان درمیدان چیست؟

اولا این حضور بسیار علنی است و اعلام شد یک هواپیمای جدید حامل سلاح‌های خاص مثل بمب‌های سنگرشکن و خوشه‌ای تحویل رژیم صهیونیستی شده و این آشکار است؛ کمااین‌که اظهارات مقامات ارشد آمریکا مبنی بر این‌که ما با تمام وجود از اسرائیل حفاظت می‌کنیم هم بر همین نکته تأکید دارد. ولی این‌که چرا این کار صورت می‌گیرد به دلیل ضعف ارتش اسرائیل است؛ یعنی ارتشی که در روز ۱۵مهرماه در مقابل مقاومت فلسطینی زانو زد و ضعف خود را به نمایش گذاشت.

آمریکایی‌ها می‌خواهند با یک‌سری اقدامات به آنها دلگرمی بدهند و بگویند از پشتیبانی کشور بزرگی مثل آمریکا برخوردارند اما درعین حال این مانورها آثار لازم را به همراه ندارد، به دلیل این‌که اولا آمریکایی‌ها آنچه می‌دهند سلاح است. صهیونیست‌ها در روز ۱۵مهر که فروریختند کمبود سلاح نداشتند و بعد از عملیات فلسطینی‌ها دیدیم که حجم وسیعی از اقدامات نظامی اسرائیل علیه مردم بی‌دفاع غزه به نمایش گذاشته شد؛ پس سلاح نمی‌تواند خلأیجادشده در میان نظامیان اسرائیلی را پر کند. نکته دوم، کسی که دارد دلداری می‌دهد مقاومت کنید، کسی است که دو سال پیش از افغانستان فرار کرد و در سال‌های گذشته ناگزیر شد کل نیروهای نظامی‌اش را از عراق بیرون ببرد که البته بعداً درصدی را برگردانده است؛ ولی آمریکایی که آمده بود در عراق بماند و نزدیک به ۲۰۰ هزار نیروی نظامی را گسیل کرده بود، ناگزیر شد نیروهایش را ببرد؛ یا آمریکایی که پایگاه‌هایش در عراق و سوریه مورد حمله قرار می‌گیرد و قادر نیست که از نیروهایش دفاع کند و مانع تکرار حلات به این پایگاه‌ها شود، چگونه می‌خواهد رژیمی را که در مقابل فریاد فلسطینی‌ها به لرزه درآمده تقویت کند و به آنها روحیه بدهد و سرپا نگه دارد؟! لذا کار آمریکایی‌ها در عمل نتیجه‌ای را که ادعای می‌شود دربرندارد.

برای خواندن متن کامل گزارش کیوارکد راسکن کنید



نمی‌دیدند که مرتب پشت سر هم بیایند آنجا و اظهار همبستگی کنند؛ این نشان دهنده آن است که ضربه، ضربه بسیار محکم و تعیین‌کننده‌ای بوده. و خب رژیم ضربه‌خورده زخم‌خورده در واقع ازپاافتاده ـ که بزور دارند با تسلیحات و با بمب‌های کاذبی و مانند اینها سرپا نگهش می‌دارند ـ چون زورش به رزمندگان نرسید و زورش به رزمندگان نخواهد رسید، انتقامش را از مردم بی‌دفاع و مظلوم می‌گیرد، بمب روی سر آنها می‌ریزد، [در حالی که] رزمندگان در این مدت همچنان آماده اقدام و حفظ‌کننده روحیه، انگیزه و توان اقدام بودند و بعد هم ان‌شاءا... خواهند بود. به نظر من هرکسی راجع به غزه صحبت می‌کند، باید راجع به سبر مردم، اقتدار مردم و اقتدار رزمندگان حرف بزند، والا به اینها ظلم شده؛ انصافاً این سبری که اینها کردند، خیلی مهم است.» در همین رابطه سعدا... زارعی کارشناس مسائل حوزه مقاومت و رئیس موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، در گفت‌وگویی به تبیین بیانات رهبر انقلاب اسلامی درباره عملیات طوفان‌الاقصی و شرایط سخت رژیم صهیونیستی پس از این عملیات پرداخته است.

با سنگ حمله می‌کنند و بالاخره کینه در جایی دامنگیر آنها می‌شود. کار صهیونیست‌ها یک شیوه احمقانه است؛ یعنی اگر عاقل بودند باید کاری می‌کردند که بارعبایت حدودی از حقوق فلسطینی‌ها مانع‌انباشت این‌کینه می‌شدند. الان کل فلسطین را با اقدامات‌شان یکپارچه‌کردند و در کنار مقاومت قرار دادند و جهان اسلام را در کنارمقاومت فلسطین قرار دادند و این احمقانه‌ترین کاری بوده که می‌توانستند طی این ۷۵ سال انجام دهند.

سیاست مظلوم‌نمایی رژیم صهیونیستی که امروز به آن تمسک جسته‌است، ظاهرأسابقه تاریخی هم دارد؟ دراین مورد توضیح دهید. اساسا یهودی‌ها با ادعای مظلومیت کارشان را شروع کردند. مدتی در دنیا ندبه‌بو خوانی می‌کردند که ما یهودی‌ها سرزمینی نداریم و ملت پراکنده و آوارهای هستیم و به ما ظلم می‌شود و در طول قرن ۱۷ به بعد، همیشه این ندبه‌بو خوانی ازسوی اسرائیلی‌ها مطرح بوده‌است.

بعدها که جنگ جهانی پیش آمد و تعدادی یهودی در آلمان دچار مشکلاتی شدند، ادعا کردند آلمان‌ها علیه‌شان اتاق‌های گاز راه انداختند و هزاران نفر از آنها را در کوره‌های آدم‌سوزی سوزانده‌اند و با توجه به این مسأله باید سرپناهی داشته باشند.

با همین ادعای دروغ به کمک انگلیسی‌ها به فلسطین جنگ‌انداختند و این سرزمین را به دست آوردند. ورودشان به فلسطین از سال ۱۹۰۵ شروع شد اما به محض این‌که جای پایي در فلسطین پیدا کردند و حتی قبل از این‌که حکومت تشکیل دهند، از زمانی که جمعیت قابل توجهی آمدند یعنی ۱۹۲۳ به بعد، جنایات‌شان هم شروع شد. یعنی جوخه‌های

اعدام که بعدها به سروسری‌های اطلاعاتی

اسرائیل تبدیل شدند، شروع به اعمال فشار بهفلسطینی‌ها کردند، مثل قتل فلسطینی‌ها و کشاورزان، آتش زدن مزارع و خانه‌ها و فجایی که به بار آوردند تا رژیم تأسیس شد. بعد از تأسیس هم دوباره این جنایات را با دست‌بازتر ادامه دادند.

درحالی‌که سازمان ملل فقط حدود ۴۷ درصد از خاک فلسطین را برای آنها به‌رسمیت شناخته بود،

اینها حتی با کشتن عناصر سازمان ملل بر کل اردوگاه‌های فلسطین تسلط پیدا کردند و به شیوه‌هایی مثل آتش زدن مسجدالاحصی، فاجعه دیرباسبین، فاجعه انسانی که بعدها در قانا انجام دادند و در اردوگاه‌های فلسطینی و حتی اردوگاه‌های توت امر سازمان ملل مثل اوسروا که برای مثال

در جنگ سال ۲۰۱۴ به سه

مدرسه تاحده اداره سازمان ملل

حمله کردند و بچه‌های فلسطینی زیر نظر سازمان ملل را به قتل رساندند، این شیوه را ادامه دادند.

هر چیزی که به اسرائیلی‌ها بیاید، مظلومیت نمی‌خورد. همان‌طور که رهبر انقلاب فرمودند که این دیو خشن می‌شود با عباراتی مثل ظالم و امثال اینها مورد خطاب قرار داد و نمی‌شود او را مظلوم دید. با توجه به عملکردش؛ بالاخره هر چیزی به این رژیم می‌آید غیر از این‌که بگویند این رژیم مظلوم است و کسی هم مظلومیت این رژیم را قبول ندارد و به‌نظم یکی از خنده‌دارترین حرف‌ها در دنیا این است که کسی بگوید اسرائیل مظلوم است.

ما این ادعای ارتش اسرائیل را تایید نمی‌کنیم و عددنیروهای عمل‌کننده کلمه رمزی است که حماس نمی‌خواهد فاش کند که چه حجم نیرو را وارد این صحنه عملیات کرده، ولی اسرائیل می‌گوید هزار نیرو است. سؤال این است که هزارنیروی بدون تانک و تجهیزات که حداکثر موشک‌های دوش پرتاب داشتند، چطور توانستند یک لشکر ۱۵ هزار نفری مجهز به هزاران دستگاه تانک و نفربر زرهی را مغلوب کنند و این همه کشته و اسیر بگیرند و در این نقطه عملیاتی این ارتش مشغول جنگند. جنگ هنوز تمام نشده و با نیروهای ارتش و نیروهای دیگری که به آنها پیوسته‌اند، می‌جنگند.

این یک شکست راهبردی است و تاکتیکی نیست؛ یعنی اینجا راهبرد بازدارندگی ارتش اسرائیل که بناپوده بدون آسیب اجازه‌تحرك به مخالفان خود را ندهد، مغلوب مخالفان خودش شده و این تئوری از بین رفته‌است. الان اگر چنانچه ارتش اسرائیل خطاب به یهودی‌های غاصب داخل سرزمین فلسطین بیانیه بدهد و بگوید من قدرت دارم از شما و خانه‌ها، مزارع و موقعیت‌های شما در برابر دشمنان‌تان دفاع کنم و اجازه‌تحرك به دشمنان ندهم، یهودی‌ها به این ادعای ارتش می‌خندند. چون اسرائیل می‌گوید اینها هزار نفر بودند، آن هم در فلسطینی که الان جمعیت عرب‌ان بر جمعیت یهودی‌اش می‌چرد. براساس آمار خود رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۲ تعداد عرب‌های فلسطینی داخل لوزی یعنی داخل مساحت ۲۸ هزار کیلومترمربعی ۴۰ هزار نفر بیشتر از تعداد یهودی‌هاست. براساس آمار خود صهیونیست‌ها، تعداد فلسطینی‌ها هفت میلیون و ۲۰۰ هزار نفر هستند و جمعیت یهودی فلسطین کمتر از این عدد یعنی هفت میلیون و ۱۲۰ هزار نفر است.

۴۱ وقتی اسرائیل می‌گوید ۱۰۰۰ فلسطینی آمدند و این مصیبت را بر سر ارتش و سیستم اطلاعاتی اسرائیل آوردند، چطور می‌تواند این هفت میلیون جمعیت را مهار کند، جمعیتی که یک روحیه مضاعف عملیاتی پیدا کرده‌است؟

از این جهت در اینجا دو اتفاق افتاده، یکی شکست راهبردی غیرقابل جبران اطلاعاتی و شکست راهبردی غیرقابل ترمیم عملیاتی به تعبیر رهبر انقلاب برای این رژیم رقم خورده‌است. مهم این دو مورد است؛ گرچه در زمینه مخابرات هم شکست بزرگی خوردند. مقاومت فلسطین توانسته قبل از شلیک موشک‌هایش سیستم‌های پدافندی گنبد آهنین و پیکان را از کار بپندارد. توانستند ارتباطات بین خود را از نفوذ اسرائیل محفوظ نگه دارند؛ چون در این صحنه باید مکالمات گسترده‌ای بین بدنه عمل‌کننده و اتاق فرماندهی ایجاد شود و حفظ این مکالمات خودش یک پیروزی بزرگ برای فلسطینی‌هاست. همین‌طور فاجعه قدرت تحلیلی اسرائیلی‌ها که در اینجا با شکست راهبردی مواجه شده‌است. اسرائیلی‌ها همیشه مدعی بودند که قوی‌ترین و کارآمدترین اندیشکده‌ها را دارند و می‌توانند با تحلیل دقیق و عمیق هم وضعیت جاری را تحلیل و تحقیق کنند. هم افق را دقیقاً نشان داده و راه‌های حرکت به سمت افق مطلوب را نشان دهند. این چه دستگاه‌های تحلیلیگری هستند که نتوانستند این نکته را پیش‌بینی کنند که حماس در طول سال‌های گذشته توانسته به چنان قدرتی دست پیدا کند که از یک نیروی دفاعی به یک نیروی تهاجمی تبدیل شود؟ این هم یک شکست است و شکست در نقطه توانمندی تحلیلی سیستم اسرائیل است.

۴۱ رهبر انقلاب در تحلیل‌شان عملکرد وحشیانه اسرائیل را در سال‌های گذشته عامل وضعیت فعلی و شروع طوفان‌الاقصی می‌دانند.

تبیین شما از این ماجرا چیست؟

بعض انباشته یک روز می‌ترکد و کینه‌های انباشته‌شده روزی سر باز می‌کنند. صهیونیست‌ها سرزمینی را اشغال کردند و به جای مدارا با صاحبان اصلی این سرزمین بدترین شیوه‌های برخورد را در مواجهه با آنها اعمال کردند. آنها اساسا با کشتار و نادیده گرفتن حقوق اولیه فلسطینی‌ها کارشان را شروع کردند. بمباران غزه از بین بردن حق اولیه شهروندان است که این حق اولیه حق حیات و زنده ماندن است. اسرائیل همین حق را برای فلسطینی‌ها قائل نیست و نتایج‌او با صراحت می‌گوید بچه‌ای که در قنداق است را می‌کشیم، چراکه سرباز آینده فلسطینی است، لذا به یک کودک چندماهه لقب تروریست می‌دهند. این برخورد با مردم باعث انباشت کینه می‌شود و کسانی که کینه را انباشته در سینه نگه می‌دارند هر روزی که دست‌شان به امکاتی برسد، آن را علیه اسرائیل به کار می‌گیرند. طبعاً اگر در کوچه پس‌کوچه‌ای یک صهیونیست را ببینند اگر جاقو دست‌شان باشد با آن حمله می‌کنند، اگر تفنگ همراه داشته باشند با تفنگ حمله می‌کنند، اگر چوب به دست‌شان برسد با چوب حمله می‌کنند و اگر نه

مصر در صحرای سینا اسرائیلی‌ها حدود هزار کشته دادند. صحرای سینا متعلق به کشور مصر بود و مصری‌ها بر آن اشراف داشتند و در آن جنگ بزرگ، ارتشی با دست باز از طریق سیستم‌های مختلف خاکی و آبی وارد صحرای سینا شد.

در جریان عملیات طوفان‌الاقصی، تاکنون اسرائیلی‌ها دست‌کم ۱۵۰۰ کشته، نزدیک به ۳۰۰۰ مجروح و صدها اسیر داده‌اند و تمام اینها در چهار ساعت رخ داد. در روزهای بعد، یعنی از یکشنبه هفته قبل تا امروز که شنبه است، اسرائیلی‌ها به‌طور متوسط در هر روز ۵۰ کشته دادند؛ یعنی جریان حمله فلسطینی‌ها به ارتش اسرائیل در منطقه اطراف غزه تمام نشده و به‌طور متوسط روزانه ۵۰ تن از عناصر ارتش اسرائیل رایه درک واصل کردند. حدود ۳۵۰ نفر طی این یک هفته از ارتش اسرائیل را کشتند و این کاملاً بی‌سابقه بوده‌است. بحث بر سر این است که یگان‌های فلسطینی باید



اساسا حیات رژیم صهیونیستی وابسته به یک اصل به نام بازدارندگی است و بنیان‌گذاران رژیم صهیونیستی امثال بن‌گوریون بن‌گوریون تصریح کردند که وقتی بازدارندگی اسرائیل تضعیف و شکسته شود، زمان مرگ اسرائیل است. نه فقط بنیان‌گذاران گفتند، بلکه متأخرین نیز همین را بیان کردند و در بررسی‌ها و مطالعات آکادمیک غرب هم این مسأله تصریح شده که حیات رژیم صهیونیستی وابسته به حفظ اصل بازدارندگی است. در این صحنه رژیم صهیونیستی به تعبیر رهبر انقلاب هم در بُعد اطلاعاتی و هم عملیاتی با یک شکست غیرقابل جبران مواجه شد. در بحث اطلاعاتی، رژیم صهیونیستی مدعی بود که برترین سیستم اطلاعاتی دنیا را دارند و به‌خصوص درباره سروسری خارجی‌اش یعنی مוסاد همیشه اسرائیلی‌ها مدعی بودند که حتی به ابرسرویس‌هایی مثل سیا و ام‌آی‌سیکس اطلاعات می‌دهند و آموزش بسیاری از مأموران سیا و ام‌آی‌سیکس را آنها انجام می‌دهند. مدعی بودند که سروسری‌های اطلاعاتی بخش وسیعی از کشورهای عربی از طریق مוסاد تربیت شده، آموزش دیده، سازمان‌یافته و قد کشیده‌اند و به نقطه‌ای رسیده‌اند. بر مبنای اصل بازدارندگی، مدعی بودند آن چنان سیستم اطلاعاتی دارند که می‌توانند تمام حرکات دشمن در هر جای دنیا را قبل از این‌که اقدام دشمن به صحنه اجرا دربیاید شناسایی کنند و از بین ببرند.

یکی از اضلاع اصل بازدارندگی حمله به دشمن است. دشمنی که قصد اقدامی دارد و با جلوگیری از عملیاتی شدن اقدام دشمن مانع حرکت او علیه خود می‌شوند. سال‌ها سیستم اطلاعاتی اسرائیل با همین ادعا بسیاری را مرعوب کرده بود. البته اقدامات پیچیده‌ای علیه مخالفان در کشورهای گوناگون از سوی مוסاد انجام شده بود و سروسری‌های دیگر اسرائیل هم مثل آمان و شایاک نیز در اینجا نقش‌های خود را داشتند. سروسری‌های دیگر اسرائیل هم در راستای تکمیل حلقه مוסاد عمل می‌کرد. در این صحنه، مقاومت فلسطین عملیاتی را به اجرا گذاشت که خود اسرائیلی‌ها اعتراف کردند که در طول ۷۵ سال حیات نتگین این رژیم چنین ضربه‌ای به آنها وارد نشده بوده و واقعا همین‌طور است.

۴۱ با ابعاد و رقام چگونه این ادعای می‌توان ثابت کرد؟

رژیم صهیونیستی در هیچ جنگی در یک عملیات حدود ۱۵۰۰ کشته، صدها اسیر و هزاران مجروح ن داده بود. بیشترین تلفات اسرائیل مربوط به جنگ یوم کیپور یا جنگ ۱۹۷۲ است که در مواجهه با عملیات ارتش

۴۱ ترمیم ناپذیری شکست رژیم اشغالگر قدس دارای چه ابعاد و مختصات است و چگونه می‌توان آن را تحلیل کرد؟

شکست و پیروزی، گاهی جنبه راهبردی و گاهی جنبه تاکتیکی دارد. شکست و پیروزی راهبردی به شکست و پیروزی‌ای اطلاق می‌شود که مربوط به راهبرد اساسی طرفی است که درباره آن صحبت می‌کنیم؛ مثلاً اگر یک لشکر در میدان راهبردش شکست دشمن باشد، اقدامی است که متناسب با آن سلسله‌ای از تاکتیک‌ها، روش‌ها و برنامه‌ها به اجرا درمی‌آید تا این راهبرد تأمین شود. در اینجا اگر چنانچه شکست دشمن محقق نشود، یک راهبرد اساسی و حیاتی ناکام مانده و کشور با واحد مورد هدف با یک وضعیت حیاتی مواجه می‌شود؛ یعنی اگر پیروزی به دست آورده باشد، تأثیر عمیق، درازمدت و راهبردی در سرنوشت‌مان دارد و اگر شکست خورده باشد، به همین نسبت تأثیر عمیق و درازمدت حیاتی بر سرنوشت‌مان دارد. این در جایی است که صحبت از وضعیت راهبردی می‌کنیم؛ اما زمانی که لشکر، ارتش یا کشوری تاکتیکی دارد، مثلاً در جبهه‌ای که راهبرد شکست دشمن است، باید تپه‌ای را بگیرد و از آن عبور کند، به رودخانه‌ای برسد، آن را بگیرد و از آن بگذرد تا به نقطه‌ای که سقوط دشمن است، برسد. تپه در این صحنه نقش تاکتیکی دارد که تأثیر حیاتی در راهبرد و سرنوشت واحدی ندارد که از آن صحبت می‌کنیم و ممکن است تپه تسخیر شود یا نشود یا امروز یا این عملیات تسخیر نشود و با عملیات بعدی تسخیر شود؛ این در سرنوشت میدان برای واحدی که یک هدف‌گذاری دارد، تعیین‌کننده نخواهد بود.

۴۱ این تفاوت بین شکست و پیروزی راهبردی و تاکتیکی و تأثیر این مسأله‌است؛

لذا در جایی که صحبت از شکست و پیروزی راهبردی است، مقوله حیاتی مطرح است و واحد موردنظر با یک موقعیت حیاتی یا یک بحران حیاتی مواجه شده‌است. همان‌جا که تاکتیک هست، موقعیت با شکست محدود و قابل جبران است.

در وضعیت فعلی که رهبر انقلاب آن را شکست غیرقابل ترمیم اطلاعاتی و عملیاتی رژیم صهیونیستی دانستند، صحبت از شکست یک راهبرد اساسی است که این راهبرد نقش مستقیم و مهمی در حیات رژیم صهیونیستی دارد. اساسا حیات رژیم صهیونیستی وابسته به یک اصل به نام بازدارندگی است و بنیان‌گذاران رژیم صهیونیستی امثال بن‌گوریون تصریح کردند که وقتی بازدارندگی اسرائیل تضعیف و شکسته شود، زمان مرگ اسرائیل است. نه فقط بنیان‌گذاران گفتند، بلکه متأخرین نیز همین‌را بیان کردند و در بررسی‌ها و مطالعات آکادمیک غرب هم این مسأله تصریح شده که حیات رژیم صهیونیستی وابسته به حفظ اصل بازدارندگی است. در این صحنه رژیم صهیونیستی به تعبیر رهبر انقلاب هم در بُعد اطلاعاتی و هم عملیاتی با یک شکست غیرقابل جبران مواجه شد. در بحث اطلاعاتی، رژیم صهیونیستی مدعی بود که برترین سیستم اطلاعاتی دنیا را دارند و به‌خصوص درباره سروسری خارجی‌اش یعنی مוסاد همیشه اسرائیلی‌ها مدعی بودند که حتی به ابرسرویس‌هایی مثل سیا و ام‌آی‌سیکس اطلاعات می‌دهند و آموزش بسیاری از مأموران سیا و ام‌آی‌سیکس را آنها انجام می‌دهند. مدعی بودند که سروسری‌های اطلاعاتی بخش وسیعی از کشورهای عربی از طریق مוסاد تربیت شده، آموزش دیده، سازمان‌یافته و قد کشیده‌اند و به نقطه‌ای رسیده‌اند. بر مبنای اصل بازدارندگی، مدعی بودند آن چنان سیستم اطلاعاتی دارند که می‌توانند تمام حرکات دشمن در هر جای دنیا را قبل از این‌که اقدام دشمن به صحنه اجرا دربیاید شناسایی کنند و از بین ببرند.

یکی از اضلاع اصل بازدارندگی حمله به دشمن است. دشمنی که قصد اقدامی دارد و با جلوگیری از عملیاتی شدن اقدام دشمن مانع حرکت او علیه خود می‌شوند. سال‌ها سیستم اطلاعاتی اسرائیل با همین ادعا بسیاری را مرعوب کرده بود. البته اقدامات پیچیده‌ای علیه مخالفان در کشورهای گوناگون از سوی مוסاد انجام شده بود و سروسری‌های دیگر اسرائیل هم مثل آمان و شایاک نیز در اینجا نقش‌های خود را داشتند. سروسری‌های دیگر اسرائیل هم در راستای تکمیل حلقه مוסاد عمل می‌کرد. در این صحنه، مقاومت فلسطین عملیاتی را به اجرا گذاشت که خود اسرائیلی‌ها اعتراف کردند که در طول ۷۵ سال حیات نتگین این رژیم چنین ضربه‌ای به آنها وارد نشده بوده و واقعا همین‌طور است.

۴۱ با ابعاد و رقام چگونه این ادعای می‌توان ثابت کرد؟

رژیم صهیونیستی در هیچ جنگی در یک عملیات حدود ۱۵۰۰ کشته، صدها اسیر و هزاران مجروح ن داده بود. بیشترین تلفات اسرائیل مربوط به جنگ یوم کیپور یا جنگ ۱۹۷۲ است که در مواجهه با عملیات ارتش